

ادامه از صفحه اول

## برجام و دموکرات‌ها فرصتی برای مدیریت دشمنی

…در مجموع می‌توان گفت هدف غایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که همه رویکردها و استراتژی‌ها ذیل آن در و راستای آن تعریف شده است؛ یعنی استکبارستیزی تغییرناپذیر است . من این سلسله مراتب اقتدار را حداقل در میان‌مدت باثبات می‌بینم؛ پس رهاکار را باید با فرض ثبات وضع موجود جست‌وجوکرد.

۴- مدیریت دشمنی با آمریکا اجتناب‌ناپذیر است؛ آمریکا تنها هابیرپیامو موجود در جهان است که مشخصاً در حوزه‌های امنیتی و نظامی بی‌بدیل است. با توجه به وزن، دامنه و برد نسبی قدرت آمریکا به ایران، دشمنی عملی با این کشور برای ایران پرهزینه است. جبر ساختاری در تداوم دشمنی به موازات هزینه‌های بسیار بالای آن، مدیریت کنترل‌شده این دشمنی را اجتناب‌ناپذیری‌می‌کند.

۵- برای مدیریت این دشمنی، دولت‌های دموکرات در آمریکا برای جمهوری اسلامی مزیت و فرصت محسوب می‌شوند؛ نخست اینکه دموکرات‌ها در سیاست داخلی و خارجی لیبرال‌هایی آزادی‌خواه هستند؛ اما جمهوری‌خواهان به‌ویژه در گرایش‌های راست افراطی عمدتاً رویکردی رئالیستی به سیاست خارجی دارند. لیبرال‌ها میان سیاست داخلی و خارجی ماهیتاً تمایزی قائل نیستند و ارزش‌های لیبرالی یعنی آزادی و حقوق بشر را جهانی و مبتنی بر حقوق طبیعی انسان‌ها می‌دانند؛ درحالی‌که رئالیست‌ها میان داخل و خارج تفاوتی جوهری مفروض دارند؛ آنها داخل را عرصه آزادی، حقوق بشر و اخلاق می‌دانند، اما در خارج، محیطی آتاریشیک را تصویر می‌کنند که بر قواعدی غیرمدنی و مبتنی بر روابط قدرت استوار است. این باعث شده است که جمهوری‌خواهان آزادی عمل بیشتری برای درگیرشدن نظامی و امنیتی در بحران‌های بین‌المللی داشته باشند و با دولت‌های برهمنرته‌ه نظم مستقر، آشکارا به موازنه سخت بپردازند؛ اما دموکرات‌ها بنا بر مبانی فکری‌شان بسیار دشوار می‌توانند ورود به تنش‌های نظامی و امنیتی را توجیه‌کنند و از این منظر در مقایسه با جمهوری‌خواهان بسیار اهل مباحثات و کمتر حاضر به هزینه‌پرداختن هستند. آنها مشخصاً در دوران افول هژمونی، در دوره‌ای بین امنیت و حقوق بشر و نیز در زمانی که از نتایج مداخله مستقیم مردد هستند، مداخلات را به مداخله مستقیم و انفعال را به اقدام ترجیح می‌دهند. آنها ترجیح می‌دهند ارزش‌های لیبرالی را بیشتر از طریق الگوسازی و دیپلماسی فعال پیش ببرند تا مداخله مستقیم. دوم اینکه جمهوری‌خواهان مبتنی بر رویکردی رئالیستی دولت را موجودیتی یکپارچه می‌بینند و تعبیرهایی انسان‌انگاره از آن دارند. آنها از اطلاق اوصاف شخصیتی به دولت‌ها پرهیز ندارند؛ مثلاً ایران را دولت باغی یا محور شرارت معرفی می‌کنند؛ مانند اولولگریان که آمریکا، ملتی متنوع و متکثر را موجودیتی یک‌دست می‌دانند؛ اما در مقابل دموکرات‌ها مبتنی بر رویکرد لیبرالی دولست را مجموعه‌ای از افراد، نهاده‌ها و

سازمان‌ها با منافع متنوع می‌دانند و این یعنی پذیرش انعطاف بیشتر در مواجهه با جمهوری اسلامی. در خلال این‌سال‌ها دولت‌های دموکرات همدل با دولت‌های اروپایی همواره از یکپارچه‌دیدن جمهوری اسلامی با تدرورها پرهیز داشته‌اند. از منظر آنان جمهوری اسلامی ترکیبی از تدرورها و میان‌روهاست؛ پس اگر به دنبال تغییر رفتار ایران هستیم، باید میان‌روی‌ها را تقویت کنیم. این برای جمهوری اسلامی فرصت بسیار مغتنمی ایجاد کرده بود که بتواند از هر دو چهره در جای مناسب و گاه مکمل استفاده کند؛ اما جمهوری‌خواهان همواره تلاش کرده‌اند از ایران تصویری یکپارچه ارائه دهند و دوگانگی سیاسی در ایران را نمایشی تلقی کرده و بی‌اعتبار کردن ترامپ در سپتامبر ۲۰۱۹ در جریان ترویستی اعلام‌کردند. سپاه پاسداران از این حربه استفاده کرد؛ اما جمهوری اسلامی این امکان را دارد که در مواجهه با دموکرات‌ها با حفظ دو چهره، انعطاف و آزادی عمل بیشتری داشته باشد. سوم اینکه جمهوری‌خواهان از آنجا که تعهد نظری و عملی به حقوق بشر و آزادی در سیاست خارجی ندارند، همواره برای موازنه‌کردن ایران هیچ مانعی در همکاری استراتژیک با رقبای منطقه‌ای ایران نداشته‌اند؛ اما دموکرات‌ها آزادی عمل جمهوری‌خواهان را در همسکاری با ائتلاف عربستان سعودی نخواهند داشت؛ اما همه اینها بستگی به این دارد که جمهوری اسلامی بتواند در دشمنی کج دراز و مرز کند؛ چون این دشمنی اگر بخواهد در عمل پیش‌رونده و فزاینده باشد، پایانی مبهم خواهد داشت. برای آنکه‌نداشتن حداقل تهدید امنیتی لازم در مهار دموکرات‌ها برای برهیز از مداخله‌جویی‌های حقوق‌بشری چه بسا برجام بهترین امکان باشد؛ ایران ظرفیتی مشروط در توانمندی هسته‌ای دارد که در قبال همکاری محدود با جهان موقتاً متوقف‌کرده است و همواره می‌تواند مجدداً آن را فعال کند. دولت می‌تواند در کلام «همه چیز علیه آمریکا» بگوید؛ اما در عمل «همه چیز بدون آمریکا» را پیش برد و شاید هوشمندانه بتواند در میان‌مدت همکاری‌های موزدی و محدود با آمریکا مبتنی بر پاداش را بی‌بگیرد؛ اما این مستلزم مدیریت یکپارچه سیاست خارجی است، درحالی‌که منزلت و جایگاه برخی از گروه‌های داخلی در گرو فزاینده‌کردن دشمنی‌ها در عمل است و متأسفانه آنها توان کافی برای تحمیل ترجیحات خود به هزینه عمومی بر سیاست خارجی را دارند. آنان همان‌هایی هستند که در ناگام‌گذاشتن برجام از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و اکنون نیز در مقابل احیای آن ایستاده‌اند و پس از احیای آن نیز برای مجدداً بی‌انگرددش کوتاهی نخواهند کرد. چنین راهکاری تنها در صورت مهار آنها ممکن است که کاری بسیار دشوار است.

**شرق:** آش عدم تأیید صلاحیت‌های شورای نگهبان و انتخاب تنها هفت نفر برای رقابت در انتخابات ریاست‌جمهوری چنان شور شده است که صدای عضو برجسته آن را نیز درآورد. آی‌آته آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و یکی از شش فقیه شورای نگهبان، در رشته‌توییتی به انتقاد از این‌شورا پرداخت و عنوان کرد هیچ‌گاه تصمیمات شورای نگهبان را تا این حد غیر قابل دفاع نیاخته‌ام.»

او نوشت: «از اولین حضور این‌جانب در شورای نگهبان در سال ۱۳۸۰، قریب به بیست سال می‌گذرد. در تمام این مدت، از شوروی نگهبان دفاع کرده‌ام، حتی در سال‌هایی که در قوه قضائیه بودم؛ اما هیچ‌گاه تصمیمات شورا را تا این حد غیر قابل دفاع نیاخته‌ام؛ چه در تأیید صلاحیت‌ها و چه در عدم احراز صلاحیت‌ها.»

او ادامه داد: «سیب این نابسامانی‌ها تا حد زیادی، دخالت‌های

محاصل تأیید صلاحیت‌های شوروی نگهبان برای انتخابات ۱۴۰۰ نه‌تنها روی استراتژی سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان اثر خواهد گذاشت، بلکه به‌طور قطع بخشی از جریان قدرت در اولولگرایی و بدنه حامی‌شان را هم به‌ فکر فروخواهد برد. اعتراضاتی که از سوی برخی چهره‌های اولولگرایی، فعالان رسانه‌ای و بدنه حامی این جریان به خروجی شورای نگهبان شده، حاکی از این است که آنها نیز از وضعیت پیش‌آمده راضی نیستند و انتخابات را دیگر حتی به اندازه گذشته هم رقابتی نمی‌دانند. برخی از آنها بخش‌هایی از گفته‌های امام یا رهبری را درباره حق انتخاب بازنشر می‌کنند. یک کاربر اولولکرا در توییت نوشته است: «آیا می‌دانید انقلابی‌گری نقطه مقابل محافظه‌کاری است؟ آری‌ما دانی‌د دفاع از وضع موجود به هر قیمتی یعنی محافظه‌کاری؟ کاش دست از دفاع‌های مذموبانه بردارید و امکان سؤال را لاقال برای خودتان گشوده نگه دارید! آن وقت شاید بشود اسمتان را گذاشت انقلابی». کیان عبداللهی، سردبیر خبرگزاری تسنیم نیز در توییتی نوشته بود: «انتخابات مطلوب یعنی همه سلاطین مختلف داخل نظام در رقابت باشند و مردم انتخاب کنند. تصمیماتن باید به لحاظ عمومی قابل توجیه باشد، نه اینکه بخش‌هایی از آنها ضد‌الللهی هم قانع نشوند. اولی برگرفته از تأکید آقا در سال ۸۴ است و دومی به لحاظ عقلی بدیهی است. حالا خود محمد‌صالح منت‌ج، عضو حزب اولولگری پیشرفت و عدالت هم که قبلاً از منتشرکنندگان لیست اصلاح‌طلبان می‌گفتند در صورت خالی ماندن دست احصالات از او حمایت می‌کنیم، رد کرد تا اثر خود بر امید جریان اصلاحات به رقابت انتخاباتی را زده باشد. شاید دبیین‌ترین افراد هم تصور نمی‌کردند یک جبهه سیاسی در کشور به این شکل از عرصه انتخابات کنار زده شود و عملاً پیش از ورود رسمی به انتخابات، از امکان رقابت باز بمانند. در بین ردصلاحیت‌شدگان نام‌های مهمی به چشم می‌خورد؛ مهم از جهت آنکه ایشان همین حالا مسئولیت‌های رسمی دارند؛ مشخصاً اسحاق جهانگیری و علی لاریجانی که اولی اکنون معاون اول دولت است و دومی نماینده ویژه رهبر انقلاب در امور چین و اتفاقا هر دو با همین قوانین موجود، «رجل سیاسی» محسوب می‌شوند و هر دو سابقه زیادی در حوزه اجرایی و تقنینی دارند. فارغ از آنکه شاید آنها هم نمی‌توانستند آن‌طورکه باید و شاید آ‌ر‌آ‌ور باشند، این موضوع دلیل بر رجل سیاسی نبودنشان نیست. سیزدهمین دوره انتخابات احزاب جمهوری به‌شدت شبیه به انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ شده است؛ در آن انتخابات نیز تمام اصلاح‌طلبان شاخص کنار گذاشته شده و حتی به صورت بی‌سابقه، نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس دهم که متصل به انتخابات مجلس یازدهم نمایندگی می‌کردند هم ردصلاحیت شدند. حالا هم انگار همان روش البته در ابعدادی مهم‌تر رخ داده است و اصلاح‌طلبان که بیش از هر دوره‌ای نامزد در اختیار داشتند، حتی نامزدهای کم‌اثر، نتوانستند حتی یکی از نامزدهای خود را در عرصه انتخابات داشته باشند. همه اینها ذکر واضحات است و شاید آنچه باید امروز مورد بحث قرار بگیرد، جایگاه جبهه اصلاحات در عرصه سیاسی بعد از این است.

اصلاح‌طلبان به‌ویژه بعد از سال ۸۸ دچار انزوی شدید سیاسی شدند؛ تعداد در‌خور توجهی از اصلاح‌طلبان به حبس رفتند و دیگران هم مجالی برای سیاست‌ورزی نداشتند. مشخصاً تشکیل مجلس نهم و نبود اصلاح‌طلبان در صحنه، حکایت از انزوی‌های خود را در اسفند ۹۸ چهار سال به‌طورکامل از قدرت سیاسی دور بودن تا آنکه نتوانستند در انتخابات سال ۹۲ با حمایت از حسن روحانی که یک نامزد غیراصلاح‌طلب محسوب می‌شد، به‌نوعی وارد عرصه سیاست رسمی شوند. در آن انتخابات، هاشمی‌رفسنجانی ردصلاحیت شد تا شوروی نگهبان همه اصلاح‌طلبان را غافلگیر کند؛ اما در عین حال که صلاحیت هاشمی رد شده بود، دو نیروی دیگر، یعنی عارف و روحانی حضور داشتند. خاتمی به اصرار هاشمی از روحانی بیعت کرد و عارف اصلاح‌طلب کنار گذاشته شد؛ تا حدی که او هم از این تصمیم ناراحت شد و بدون قید حمایت از روحانی، نامه انصرافش را منتشر کرد. دولت روحانی شکل گرفت و اصلاح‌طلبان کم‌وبیش وارد دولت شدند و معاون اولی دولت نیز بزرگ‌ترین سهم سیاسی اصلاح‌طلبان بود که به اسحاق جهانگیری رسید. مجلس دهم و تقنین‌فرینی بی‌مثال خاتمی با ذکر جمله «تکرار می‌کنم، به رأی شد لیست انتخاباتی اصلاح‌طلبان (لیست امید) با اقبال عینی هم‌راه

## سیاست

**واکنش تند عضو شورای نگهبان به عملکرد شورای نگهبان**

## غیر قابل دفاع

فزاینده دست‌گاه‌های امنیتی از طریق گزارش‌های خلاف واقع، در تصمیم‌سازی برای شورای نگهبان است؛ به‌ویژه اگر عضو مسئولی که باید گزارش‌های محققانه به شورا ارائه کند، خود عامدانه چیزی بر آن بیفزاید! چنان‌که از وزارت اطلاعات با قاطعیت تمام مطلبی نقل می‌کنند، حال آنکه با پرسش از معاونت مربوطه در وزارت اطلاعات به صراحت این مطلب تکذیب می‌شود.»

آیت‌الله آملی لاریجانی افزود: «گلابه بنده از سر دغدغه‌ای است برای حفظ شان و اعتبار شوروی نگهبان. این فقیر وقتی با چنین وضعیتی مواجه شدم و استدلال‌هایم را بی‌تاثیر یاقتم، این کلام حق متعال را بر همکاران عزیزم در شورا تلاوت کردم: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتتظر نفس ما قدمت لغف و اتقوا الله ان الله خیر بما تعملون». در میانه این زمانه غریب و رفتارهای عجیب به خدا پناه می‌بریم و به محضر او

**اصولگرایان هم شوکه شدند**

# آغاز فصل مقلدین سیاسی

نقل از رهبری نوشته است: «مصیبت آن روزی است که مردم پشت‌کنند به صندوق رای. این مصیبت است و دشمن این را می‌خواهد…» او یک کلیپ وایرال‌شده را که بخشی از یک فیلم درباره حق انتخاب بین دوغ و نوشابه است، در حساب توییتری خود منتشر کرده است؛ کلیپی که پیش‌تر منتقدان جدی عملکرد شورای نگهبان منتشر می‌کردند. اگرچه ابراهیم رئیسی خروجی شورای وحدت و شوروی ائتلاف اصولگرایان بود، اما این اجماع، لزوماً محاصل یک توافق صد درصد فکری – سیاسی نبود. بخش مهمی از آن، توافق سلبی بود. نگرانی از چندپارگی و زیر میز بازی زدن از سوی برخی جریان‌های متأخر با توجه به تجربه سال‌های گذشته، باعث شده بود سنتی‌ها و متقدمان کوتاه بیایند و اصراری بر گزینه‌های دیگر نکنند؛ سراغ چهره‌ای بروند که قبلاً امتحان پس داده و تنها عامل انتخابش، اجماع حداکثری باشد. همین سلبی‌بودن اجماع است که باعث می‌شود در جلسه جامعه اسلامی مهندسین هم خود باهنر و هم خود رؤسای دفاتر استانی از انحصار در ستادهای انتخاباتی رئیسی گلایه کنند؛ اینکه فقط به جریان یا جریان‌های خاصی از اولولگرایی در این ستادها میدان داده می‌شود. مشخص است علت این اتفاق چیست. اصلاً فعالان ستادهای انتخاباتی، مدیران و سمت‌گیران بالقوه دولت احتمالی نامزد برنده‌اند. طبیعتاً هر جریان یا طیفی که نفوذ و قدرت بیشتری در ستادهای یک نامزد داشته باشد، در آینده هم امکان اینکه سهم بیشتری از قدرت

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>روزنه</b>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<p>عرضه می‌داریم؛ اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون».</p> <p>در میان کسانی که از شورای نگهبان عدم تأیید صلاحیت گرفتند، نام چند اولولگرا مانند علی لاریجانی، برادر آی‌آته آملی‌لاریجانی که تا یک سال پیش ریاست مجلس را بر عهده داشت، به چشم می‌خورد. او اکنون مشاور مقام معظم رهبری و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز هست. عزت‌الله ضرغامی دیگر اولولگرایی است که سابقه ریاست بر سازمان صداوسیما را داشته؛ اما صلاحیت او برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید نشده است. علی مطهری، اسحاق جهانگیری، مسعود پزشکیان، مصطفی تاجزاده، عباس آخوندی، محمود صادقی و محمد شریعتمداری نیز از چهره‌های اصلاح‌طلبی هستند که شورای نگهبان صلاحیت آنان را تأیید نکرده است.</p>		

اتهامی مانند حمایت از لاریجانی از خود (جریان‌های متأخر به‌ویژه شورای ائتلاف اولولگرایان در ابتدا شورای وحدت را متمم به حمایت از علی لاریجانی کرده بودند) به دنبال تثبیت موقعیت در حال از‌دست‌رفتن خود در جریان اولولگرایی هستند.

انتخابات ۱۴۰۰ به معنی تثبیت یک پارادایم جدید در جریان قدرت اولولگرایی است. در پارادایم جدید، مقدماتی که حکم مجتهدان سیاسی را در این جریان داشتند، جای خود را به مقلدان سیاسی خواهند داد و این یک از آزمون سخت‌گیرانه از سوی نسل جدید اولولگراییانی است که وارد میدان شده‌اند و آن‌طورکه مشخص است، عنان کار را هم در دست گرفته‌اند و گفتمان سیاسی‌شان حتی بر شوروی نگهبان به‌ظاهر کهن‌سال نیز غلبه دارد؛ برای نمونه، اخبار مرتبط با ردصلاحیت‌ها، به‌ویژه ردصلاحیت جهانگیری و لاریجانی، در این چند روزه از کانال یک جریان خاص درون اولولگرایی به بیرون درز می‌کرد. آن زمان اینها شایعه و غیر قابل باور به نظر می‌رسید؛ اما حالا که خروجی شورای نگهبان به تأیید وزارت کشور هم رسید، معلوم می‌شود این اخبار چندان هم شایعه نبوده است. به‌طور مشخص، اخبار ردصلاحیت از کانال رسانه‌های نزدیک به جریان جبهه پایداری، یکی از طیف‌های متأخر اولولگرایی، به بیرون درز و نشست کرده بود. تأیید صلاحیت علی لاریجانی می‌توانست با محتمل بود که در صف اولولگرایان انتساق ایجاد کند؛ در صورتی‌که مناظره‌ها به سمتی پیش می‌رفت که لاریجانی در آن دست بالا را پیدا می‌کرد، این احتمال قوی‌تر می‌شد و این اتفاقی نبود که خوشایند جریان‌های متأخر اولولگرایی باشد.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>روزنه</b>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<p>عرضه می‌داریم؛ اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون».</p> <p>در میان کسانی که از شورای نگهبان عدم تأیید صلاحیت گرفتند، نام چند اولولگرا مانند علی لاریجانی، برادر آی‌آته آملی‌لاریجانی که تا یک سال پیش ریاست مجلس را بر عهده داشت، به چشم می‌خورد. او اکنون مشاور مقام معظم رهبری و عضو حقیقی و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مجلس خبرگان رهبری است. او در نطق پس از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری مدعی شد که مستقل وارد انتخابات شده است. این در حالی است که او نامزد اجماعی جریان اولولگراست و هم از سوی شورای وحدت و هم شورای ائتلاف اولولگرایان برگزیده شده و شانس نخست پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ است.</p>		

اصلاح‌طلبان از دوران انزوی ۸۸ تا ۹۲ هم بدتر است؛ زیرا از یک سو دیگر سرمایه اجتماعی گذشته را ندارند و از سوی دیگر نظارتی هم بدون هیچ توضیحی تمام اصلاح‌طلبان را ردصلاحیت می‌کند که البته این دو به هم ارتباط دارند؛ به این معنا که گرچه در سال ۹۲ آخرین خاطره از اصلاح‌طلبان رخدادهای سال ۸۸ بود و انتظار می‌رفت آنها در معرض حذف قرار بگیرند، ولی به دلیل پایگاه اجتماعی گسترده عارف به‌عنوان یک نیروی کاملاً اصلاح‌طلب و روحانی به‌عنوان نیروی نزدیک به هاشمی به‌نوعی نزدیک به اصلاح‌طلبان، صلاحیتشان تأیید شد. اما حالا با آنکه اصلاح‌طلبان کمتر از آن سال‌ها مشکلات امنیتی دارند، به دلیل ناامیدی مردم، ردصلاحیت می‌شوند. اصلاح‌طلبان هم برای ترمیم این شرایط کار ویژه‌ای نکردند و در تمام این سال‌ها به‌جای آنکه قدری به مناسبات عینی و روز جامعه توجه کنند و یادشان نرود که اصلاحات پیش از یک جبهه

سیاسی، جریانی اجتماعی-سیاسی بوده است، مدام کوشیدند اصلاحات در ایران را به‌مثابه گروهی پراگماتیست معرفی کنند؛ به این معنا که اصلاح‌طلبان با طرح این گزاره که اصلاحات یعنی کنش سیاسی و اصلاح‌طلب با هر شرایطی خود را وفق می‌دهد، عملاً پایگاه روشنفکری، دانشگاهی و به صورت عام‌تر طبقه متوسطی خود را از دست داد تا حدی که از مقطعی به برخی اصلاح‌طلبان، استعمارطلب گفته می‌شد. طبقه متوسط نیز که به دلیل مشکلات مالی نحیف و تحفیرتر می‌شد، دیگر توانی برای یادکردن راهی برای مفاهمه با نمایندگان سیاسی سابق خود نداشت. مدتی پیش‌تر رئیس لاریجانی نام برده می‌شد؛ چراکه راکانی از مخالفان سرسخت لاریجانی در مجلس نهم بود. با کنارماندن لاریجانی از دور رقابت‌ها، حضور راکانی هم کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی جوان‌ترین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. سابقه نمایندگی مجلس ریاست بسیج دانشجویی را دارد. راکانی مؤسس جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی است و سه دوره دبیر کلی آن را بر عهده داشت که اکنون دبیر کل این جمعیت مالک شریعتی‌نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون انرژی مجلس است. از راکانی هم به‌عنوان یکی از نامزدهای پوششی رئیسی برای مقابله با لاریجانی نام برده می‌شد؛ چراکه راکانی از مخالفان سرسخت لاریجانی در مجلس نهم بود. با کنارماندن لاریجانی از دور رقابت‌ها، حضور راکانی هم کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی جوان‌ترین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. سابقه نمایندگی مجلس ریاست بسیج دانشجویی را دارد. راکانی مؤسس جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی است و سه دوره دبیر کلی آن را بر عهده داشت که اکنون دبیر کل این جمعیت مالک شریعتی‌نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون انرژی مجلس است. از راکانی هم به‌عنوان یکی از نامزدهای پوششی رئیسی برای مقابله با لاریجانی نام برده می‌شد؛ چراکه راکانی از مخالفان سرسخت لاریجانی در مجلس نهم بود. با کنارماندن لاریجانی از دور رقابت‌ها، حضور راکانی هم کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی جوان‌ترین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. سابقه نمایندگی مجلس ریاست بسیج دانشجویی را دارد. راکانی مؤسس جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی است و سه دوره دبیر کلی آن را بر عهده داشت که اکنون دبیر کل این جمعیت مالک شریعتی‌نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون انرژی مجلس است. از راکانی هم به‌عنوان یکی از نامزدهای پوششی رئیسی برای مقابله با لاریجانی نام برده می‌شد؛ چراکه راکانی از مخالفان سرسخت لاریجانی در مجلس نهم بود. با کنارماندن لاریجانی از دور رقابت‌ها، حضور راکانی هم کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

**نگاهی به گذشته این ۷ نفر**

● **شرق:** سعید جلیلی، محسن رضایی، سیدابراهیم رئیسی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، محسن مهرعلیزاده و عبدالناصر همتی هفت نامزد نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ به‌عنوان خروجی شوروی نگهبان‌اند. نگاهی داریم به سوابق این نامزدها:

سعید جلیلی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی برای دومین بار در جمع کاندیداهای نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری حضور دارد. او در سال ۹۲ نیز کاندیدا بود که با چهارمیلیون و ۱۶۸ هزار رأی (۱۱.۳۶ درصد) نفر سوم شد. جلیلی یکی از دو نماینده رهبر انقلاب در شوروی عالی امنیت ملی و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. تا پیش از اعلام تأیید صلاحیت‌ها، از او به‌عنوان نامزد پوششی ابراهیم رئیسی نام برده می‌شد که برای کمک به او در مناظره‌ها به‌ویژه مقابله با علی لاریجانی به میدان آمده است. او این مقابله را در فضای مجازی با قدرت هم شروع کرده بود که با خروج علی لاریجانی از دور رقابت‌ها به نظر می‌رسد این حضور دیگر بلامحل شده است. جلیلی در انتخابات سال ۹۶ به حمایت از رئیسی پرداخت و برای او تبلیغ و سخنرانی کرد.

محسن رضایی دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام با ۶۷ سال سن، من‌ترین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. او در سال‌های ۸۴، ۸۸ و ۹۲ نیز در جمع کاندیداهای نهایی انتخابات قرار گرفت؛ اما در سال ۸۴ پیش از برگزاری انتخابات انصراف داد و در سال‌های ۸۸ و ۹۲ به ترتیب با ۶۸۱ هزار (۱.۷۳ درصد) و سه‌میلیون و ۸۸۴ هزار رأی (۱.۵۹ درصد) سوم و چهارم شد. رضایی هم که در روز آخر ثبت‌نام کرد، پس از ثبت‌نام در واکنش به نطق‌های لاریجانی و جهانگیری گفت: اقتصاد پادگان یا دادگاه نیست؛ اما جای فلسفه‌باقی هم نیست. اقتصاد از فلسفه‌یافی آسیب جدی دیده است؛ اقتصاد یک علم است؛ اما متأسفانه برخی علم اقتصادی ندارند… بسیاری از افرادی که اینجا آمدند، ترازی هم‌راه با اجزای یک نمایش‌نامه کم‌دی دارند.

سیدابراهیم رئیسی، رئیس کنونی قوه قضائیه برای دومین بار است که در بین کاندیداهای نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری قرار می‌گیرد. او پیش از ریاست دستگاه قضا، عهددار مسئولیت‌هایی مانند تولیت آستان قدس رضوی، دادستانی کل کشور، معاونت اول قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور، بوده است. رئیسی عضو حقیقی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مجلس خبرگان رهبری است. او در نطق پس از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری مدعی شد که مستقل وارد انتخابات شده است. این در حالی است که او نامزد اجماعی جریان اولولگراست و هم از سوی شورای وحدت و هم شورای ائتلاف اولولگرایان برگزیده شده و شانس نخست پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ است.

علیرضا زاکانی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در سال‌های ۹۲ و ۹۶ نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد، اما صلاحیتش رد شد. زاکانی ۱۳ سال سابقه نمایندگی مجلس ریاست بسیج دانشجویی را دارد. زاکانی مؤسس جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی است و سه دوره دبیر کلی آن را بر عهده داشت که اکنون دبیر کل این جمعیت مالک شریعتی‌نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون انرژی مجلس است. از راکانی هم به‌عنوان یکی از نامزدهای پوششی رئیسی برای مقابله با لاریجانی نام برده می‌شد؛ چراکه راکانی از مخالفان سرسخت لاریجانی در مجلس نهم بود. با کنارماندن لاریجانی از دور رقابت‌ها، حضور راکانی هم کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی جوان‌ترین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. سابقه نمایندگی مجلس ریاست بسیج نایب‌رئیی مجلس یازدهم مهم‌ترین پیشینه این‌ نامزد اولولگرای انتخابات است. قاضی‌زاده ۵۰ساله پسرعموی وزیر سابق بهداشت و برادر سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی عضو کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری است. او که بزرگک است و مدتی نیز رئیس دانشکده علوم پزشکی سمتان بوده، از اعضای اولیه جبهه پایداری است و در سال‌های ۹۲ و ۹۳ سخنگوی این حزب بود.

محسن مهرعلیزاده در دولت اول خاتمی استاندار خراسان و در دولت دوم او رئیس سازمان تربیت بدنی بود. با آغاز دولت دوازدهم، مهرعلیزاده از نسوی دولت روحانی به‌عنوان استاندار اسفهان انتخاب شد؛ اما تنها یک سال بعد به موجب اینکه مشمول قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان می‌شد، مجبور شد از سمت خود استعفا دهد. مهرعلیزاده در انتخابات سال ۸۴ هم‌راه با مصطفی معین از سوی شورای نگهبان در صلاحیت شد؛ اما به موجب حکم جمعیتی به بسازی رقابت‌ها بازگشت. نام مهرعلیزاده اسمال در میان کاندیداهای پیشنهادی جبهه اصلاحات قرار نداشت.

عبدالناصر همتی سابقه مدیریت بانکی و رسانه‌ای دارد. در سال ۹۷ و پس از سیف رئیس کل بانک مرکزی شد. در کارنامه او ریاست بیمه مرکزی ایران، مدیرعاملی بانک‌های ملی و سینیا و معاونت صداوسیماست. او پس از ثبت‌نام در جمع خبرنگاران اظهار کرد: بر برنامه مشخص و برای اصلاح حکمرانی اقتصادی وارد شده‌ام. درباره گرایش سیاسی او اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. برخی او را اصلاح‌طلب و برخی دیگر او را مستقل می‌دانند. همتی به طیف دولت و کارگزاران نزدیک‌تر است.